

چرا آمریکاییان مولانا را دوست دارند؟

گفت‌وگویی اختصاصی همشهری با فرانکلین لوئیس؛ پژوهشگر آمریکایی زبان و ادبیات فارسی ...



گفت‌وگویی اختصاصی همشهری با فرانکلین لوئیس؛ پژوهشگر آمریکایی زبان و ادبیات فارسی
چرا آمریکاییان مولانا را دوست دارند؟

اندیشه‌ها و سروده‌های مولانا از مرزهای جغرافیایی سرزمینش (ایران) فراتر رفته و امروزه به‌ویژه به یمن گسترش امکانات فضای مجازی در زندگی انسان، مجال بیشتری برای عرضه خود به تنهایی دهشت‌زای آدمی یافته است.

از همین روست که مولانا در سیر اکتونی خویش بیشترین آرام خود را در غرب مدرن و از آن میان در آمریکا یافته است؛ چنان که از شمارگان میلیونی شعرهای وی یا انبوه پژوهش‌های ادبی و علمی در باب اندیشه و شعر وی سخن گفته می‌شود. در این خصوص، بر آن شدیم تا با فرانکلین لوئیس- استاد زبان و ادبیات فارسی و مولانا‌شناس معاصر آمریکایی- به گفت‌وگو بنشینیم. دکتر لوئیس که تحصیلات دوره کارشناسی و دکتری خود را در دانشگاه‌های برکلی و شیکاگو در رشته زبان و ادبیات فارسی به انجام رسانده است، کتابی به نام *مولانا، دیروز تا امروز، شرق تا غرب* را نگاشته که توسط حسن لاهوتی به فارسی برگردانده شده است. آنچه از پی می‌آید، گزیده‌ای است از گفت‌وگویی مفصل با وی که درباره اهمیت و رواج اندیشه‌ها و شعرهای مولانا صورت گرفته است.

8226#چند سال پیش از فروش میلیونی نسخه‌های مثنوی معنوی و اشعار مولانا در آمریکا سخن می‌رفت و گویا هنوز هم این مسئله رواج دارد. به نظر شما دلیل این رویکرد یا توجه چیست؟

اول بگویم که ترجمه‌های قابل دسترس از آثار مولانا در آمریکا چندان قابل اطمینان نیستند چرا که اکثرًا توسط افرادی که تسلط چندان به زبان فارسی ندارند، برگردانده شده‌اند. کار این افراد این بوده که ترجمه‌های علمی و شرح‌های مختلف ایران‌شناسان به‌خصوص انگلیسی بر این آثار را گرفته‌اند و به شیوه شعر آزاد معاصر آمریکا درآورده‌اند. به همین دلیل است که مولانا در آمریکا معروف شد. حتی گفته می‌شود مولانا پرفروش‌ترین نویسنده در طول تاریخ آمریکا بوده است. البته این مسئله را بعید می‌دانم چرا که آثار شاعران و نویسندگان بزرگ آمریکا و غرب در شمارگان بالا در مدارس و دانشگاه‌های آمریکا تدریس می‌شود. ضمناً این را هم بعید می‌دانم که مردم آمریکا با عرفان مولانا، آشنا باشند و به‌ویژه به انگیزه دینی مولانا در تألیف مثنوی اشراف ندارند.

8226#به نظر شما چه ویژگی‌هایی در عرفان مولانا وجود دارد که غربی‌ها و به‌ویژه آمریکاییان را جذب خود کرده است؟ فکر می‌کنم چهره‌ای که از مولانا در آمریکا معرفی شده، فردی را نشان می‌دهد که بدون قشری‌گری و تحجّر با مسائل دینی برخورد می‌کند. فرد چه مسیحی، چه مسلمان و چه زرتشتی باشد، این دیدگاه باز مولانا را می‌پذیرد. علاوه بر این، شعر مولانا به‌صورت شعر عاشقانه و با همان استعارات و تشبیهات معروفش رابطه عارف با خداوند را به‌صورت ملموس به تصویر می‌کشد. بی‌شک تصاویر خیالی‌هایی که در اشعار عرفانی مولاناست، نقش مهمی در این زمینه دارد؛ ولی در غرب در مورد مثنوی بیشتر داستان‌های مولانا مطرح بوده است. درباره غزلیات شمس این مسئله‌ای که می‌گویید صادق است، ولی درباره مثنوی داستان‌هایی از آن ترجمه شده که شرح آن ممکن است همراه آن بیاید. بنابراین مولانا از این نظر که داستان‌های جالب و پرمعنایی هم دارد، مورد پذیرش قرار گرفته است.

8226#می‌دانیم که ارتباط میان مولانا و شمس تبریزی و شیفتگی و پیروی مولانا از شمس از مسائل جذاب عرفان ایرانی است. از نظر غربی‌ها این ارتباط یا نسبت چه معنایی دارد؟ خود شما نیز چه تلقی‌ای از این مسئله دارید؟ آن چیزی که در آمریکا در این باره فکر می‌کنند، جنبه خیلی عمیقی ندارد. بیشتر کسانی که با مولانا آشنایی دارند، اطلاعات درستی در اختیار ندارند تا بتوانند درباره آن فکر کنند. برداشت خود من آن است که شمس برخورد دیگری با مسائل دین دارد. به‌خصوص آنکه شمس باب ارتباط جدیدی را با خدا برای مولانا گشوده است. بدین معنا که وی را از ترس به خدا به عشق به خدا سوق داد. علاوه بر این شمس روش جدیدی به مولانا در حوزه تدریس آموخت؛ یعنی اینکه می‌توان از طریق شعر مسائل پیچیده عرفانی را برای مردم بازگو کرد. در کل فکر می‌کنم که شمس نقش عمده‌ای در تحول روحی و معنوی مولانا داشت.

8226#هنگامی که به زعم شما مولانا از ترس به خدا به عشق به خدا می‌رسد، چه تحولی در نگرش وی به هستی و جهان حادث می‌شود؟

هنوز پژوهش‌های ما درباره مولانا و تحولات در باب زندگی وی و به‌ویژه تقسیم‌بندی آثار وی از نظر تحولات روحی و معنوی وی، به آن مرحله نرسیده که بتوانیم در این باره نظر قطعی بدهیم. بیشتر اطلاعاتی که درباره مولانا داریم از راه کتاب‌های «مناقب العارفین" افلاکی و رساله سپهسالار است. اینها نمی‌خواستند که مدارک تاریخی در این باره را در اختیار ما بگذارند. بنابراین شاید تا اندازه‌ای چهره مولانا برای همیشه مبهم بماند، ولی از آثار خود وی هنوز می‌توان مسائل زیادی بیرون کشید. به هر حال تاکنون این کار صورت نگرفته است.

• اگر چه در غرب عارفان بزرگی چون اکهارت بوده‌اند ولی آیا گرایش امروز غربیان به عرفان شرقی و به‌ویژه عرفان مولانا می‌تواند گونه‌ای بازگشت به سرچشمه‌های اصیل دین به صورت کلی، آنچنان که در روان بشر هست باشد؟ می‌تواند باشد، ولی با گذشت زمان خواهیم فهمید که این گرایش‌ها مد است یا پدیده‌ای راسخ. فکر می‌کنم که این پدیده اثری پایدار خواهد داشت ولی شاید محبوبیت امروزی را در آینده نداشته باشد. مثلاً صد سال پیش عمرخیام در آمریکا خیلی معروف بود و در هر شهر بزرگ یک انجمن خیام‌شناسی وجود داشت ولی اگر اکنون از دانشجویان آمریکایی بپرسند که از شاعران ایرانی، کدام را می‌شناسید؟ به ندرت نام خیام به میان می‌آید. بیشتر حافظ، مولانا و شاید فردوسی شناخته‌ترند. از این رو شاید 50 سال بعد مولانا این محبوبیت را نداشته باشد. ولی فکر می‌کنم که این مسئله اثری ماندگار و دائمی بر فرهنگ آمریکا خواهد گذاشت.